

مسئولیت بین‌المللی دولت نسبت به حقوق مدنی - سیاسی غیرقابل تعلیق اتباع

داود مصطفایی^۱

چکیده

حقوق غیرقابل تعلیق بعنوان حقوق اولیه، یکی از ارکان اساسی و پذیرفته شده نسبت به مسئولیت دولت‌ها در قوانین حقوق بشری است. این حق به معنای تحدید خودسرانه قدرت، حفظ آزادی‌های بنیادین در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به مقررات تصویب شده بین‌المللی است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گرچه تفکیکی تحت عناوین حقوق غیرقابل تعلیق و قابل تعلیق مشاهده نمی‌شود، اما از حیث ماهوی برخی از حقوق غیرقابل تعلیق در آن مورد شناسایی قرار گرفته‌اند که از جمله آنها می‌توان به حق حیات و ممنوعیت شکنجه اشاره نمود. بنابراین هدف اصلی پژوهش رعایت و گنجاندن این حقوق در جامعه و نتایج آن است که دولت‌ها در مواجهه با این حقوق ضمن رعایت، همواره در تمامی شرایط و اوضاع باید این حقوق را مورد احترام قرار دهند. پژوهش حاضر با محوریت کتابخانه‌ای و بر محوریت قانون داخلی، ارجاع به اسناد حقوق بشری گامی در ارائه راهکارهایی در جهت تضمین رعایت هنجارهای اساسی حقوق بشری نگاشته شده است.

واژگان کلیدی: مسئولیت، دولت، حقوق مدنی - سیاسی، حقوق بشری، اتباع

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب davood.mostafai1358@gmail.com

مقدمه

ضعف انسان در برابر حوادث طبیعی و در مقابل دیگر انسان‌ها و در پی آن، نیاز آدمی به ایجاد نظام اجتماعی برای حفظ امنیت حقوق مدنی و سیاسی، یکی از مهمترین دلایل پدید آمدن جوامع انسانی است. گراف نیست اگر ادعا شود حفظ امنیت فردی و اجتماعی در جایگاه حقوق مدنی و سیاسی یکی از مهمترین وظایف دولت‌ها است. این وظیفه دولت در تمامی ادوار وجود داشته است و دولت‌ها همواره ملزم به تأمین امنیت اتباع خویش در برابر تجاوزات دیگر دولت‌ها (حمله نظامی) و دیگر انسان‌ها (مجرمین) بوده‌اند (رهامی، ۱۳۹۳: ۱۸۷).

این تعهد ذاتی دولت‌ها با گسترش گفتمان حقوق بشر، ابعاد و گستره جدیدی نیز یافته است، بگونه‌ای که توجه به حق بر تأمین (امنیت حقوقی، قضایی) در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های بیرحمانه، غیرانسانی یا موهن، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در خصوص حقوق بشردوستانه و همچنین قوانین اساسی کشورها، گویای اهمیت جهانی این بعد از حقوق انسانی است.

اهمیت عدم تعرض به تمامیت جسم و جان در تمامی نظام‌های حقوقی و در طول تاریخ، متأثر از درجه اهمیت حفظ جان و تمامیت جسمانی برای تمامی انسان‌هاست. با تغییر نگرش به مفهوم امنیت از سوی صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه امنیت‌پژوهی و ظهور الگوی امنیت انسانی که با تکیه بر دو عنصر رهایی از ترس و رهایی از نیاز، بر حفظ امنیت انسان‌ها بعنوان مرکز ثقل مفهوم امنیت تأکید می‌نمود، امنیت فردی در کنار دیگر مولفه‌های تشکیل دهنده امنیت انسانی، در قالبی نو مجدداً در محوریت عناصر امنیت، مورد توجه امنیت پژوهان قرار گرفت (همان، ۱۸۷). براساس آموزه‌های نظام بین‌المللی حقوق بشر، هنجارهای حقوق بشری قواعدی حقوقی و الزام‌آور هستند که حقوقی ذاتی و غیرقابل تفکیک از شأن و کرامت انسان را برای او تأمین می‌کنند و از همگان می‌طلبند که این نرم‌های الزام‌آور حقوقی را در روابط و مناسبات خویش با دیگری رعایت کنند. به ویژه دولت‌ها را متعهد می‌سازند که علاوه بر اجرای این حق‌ها، آنها را تضمین کرده و مشمول حمایت خویش قرار دهند. پایبندی به حقوق بشر و آزادی‌های عمومی شهروندان از جمله ارزش‌های بنیادی نظام‌های سیاسی مبتنی بر آرای مردم است. نظام‌های سیاسی دموکراتیک، خود را به آزادی‌های اساسی، کرامت، صلح، امنیت و ... پایبند می‌دانند. در واقع روابط پیچیده و نیازهای درهم تنیده جوامع بشری، پایبندی دولت‌ها به ارزش‌های حقوق بشری و پرهیز از نقض مقررات بین‌المللی را ضروری ساخته است. رویکرد فعالان حقوق بشر چنین متمرکز شده است که امور و نکاتی که به رعایت حقوق بشر و یا نقض آن مربوط می‌شود مسئولیت بیشتر متوجه دولت‌ها است. زیرا این دولت‌ها هستند که بیشترین ابزار و امکانات مالی و معنوی را برای جلوگیری از نقض حقوق بشر و همچنین زمینه حمایت و مسئولیت‌پذیری حقوق بشری را در اختیار دارند (اسحاق دانش، ۱۳۹۵: ۱).

بهرتر این است که بیشترین مباحث مربوط به حمایت از حقوق بشر متوجه دولت‌ها و تعهدات آنها گردد. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حقوق بشر و حاکمیت قانون مقتضی آن است که ابزار و راهکارهای عملی و موثر برای دستیابی به این هدف مورد بررسی و جستجو قرار گیرد. باتوجه به این ضرورت که جوهره اصلی حقوق بشر پاسداری از حقوق (حیثیت) انسانی است. هر انسانی فارغ از جنس، رنگ، نژاد و مذهب دارای حیثیت برابر با دیگر انسان‌ها است. برخورداری از حیثیت و کرامت انسانی برابر، از اصول بنیادین حقوق بشر است که در هیچ شرایطی تخصیص نمی‌پذیرد. باتوجه به رویکردهای جدید نظام‌های سیاسی دموکراتیک و مردمی، دولت‌ها موظف‌اند که در دو عرصه بین‌المللی و داخلی نسبت به حقوق و آزادی‌های مردم با اعمال ایجابی و یا سلبی از حقوق مردم حفاظت و حراست نمایند. قوانین بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها را موظف می‌سازد تا براساس ضوابط مشخصی عمل کنند و یا از برخی اعمال مشخص خودداری ورزند تا حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی افراد و گروه‌ها، ترویج و حفاظت گردد.

۱- مسئولیت دولت

برای واژه مسئولیت به صورت عام تعاریف مختلفی وجود دارد اما بطور خاص به دنبال مسئولیت دولت می‌باشیم، در اینجا باید مسئولیت دولت را در حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار داد. یکی از موضوعات مهم و پراهمیت حقوق بین‌الملل در دوران معاصر مسئولیت بین‌المللی دولت است. زیرا که این موضوع رابطه نزدیکی با دیگر ۱۱۵ حوزه‌های حقوق بین‌الملل بویژه مبحث صلح و امنیت بین‌المللی دارد. بنابراین تبیین دقیق مسئولیت بین‌المللی دولت و ملزم بودن به آن، موجب توسعه ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل است.

بر مسئولیت بین‌المللی دولت آثاری مفید و ارزشمند مترتب است؛ لزوم جبران خسارت مادی و حتی در مواردی معنوی از زیان دیده نمونه بارز چنین آثاری است. توسعه این نهاد حقوقی سبب تضمین منافع قدرت‌های کوچک در مقابل قدرت‌های بزرگ است. حقوق بین‌الملل کلاسیک بیشتر بر منافع دولت‌ها از جمله دولت‌های بزرگ را تأکید می‌کرد که این مسئله موجب گردید دولت‌های قدرتمند حقوق دولت‌های ضعیف و یا سایر اعضای جامعه بین‌المللی را نقض نمایند (بیگدلی، ۱۳۹۴: ۲۲).

دولت‌ها ممکن است با نقض تعهدات بین‌المللی خودشان و یا از طریق ارتکاب اعمال خلاف حقوق بین‌الملل، موجب ایجاد خسارت شوند بدون اینکه مسئولیتی متوجه آنها گردد. این وضعیت حقوق بین‌الملل معاصر را بر آن داشت تا به منظور جبران خسارت از زیان دیدگان، مسئولیت دولت را وارد عرصه حقوق بین‌الملل نموده و آن را توسعه دهد. در واقع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ضرورتی برخاسته از این واقعیت است که دولت با

ارتکاب اعمالی که از نظر بین‌المللی خلاف است و حتی امروزه از طریق عمل به وظایف بین‌المللی خویش موجب ورود خسارت می‌گردند (همان، ۲۳).

۲- انواع حقوق مدنی و سیاسی اتباع

حقوق مدنی و سیاسی امروزه بعنوان شاخصه مهم حقوق بشری توسط کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است و تخطی از آن با اساسنامه حقوق بشری در تضاد می‌باشد. میثاق حقوق مدنی و سیاسی بعنوان جزئی از منشور بین‌المللی حقوق که بر مبنای آزادی، عدالت و صلح جهانی بعد از جنگ جهانی دوم تشکیل گردید، به‌رغم آرزوی سازمان ملل برای استوار ساختن شالوده نظم جهانی برای احترام به حقوق انسانی افراد چیزی در حدود ۲۰ سال طول کشید تا این متن نهایی گردد. اینک پس از گذشت چندین سال بعنوان قانون لازم‌الاجرا جهت حمایت از حقوق افراد انسانی توسط کشورها در نظم بین‌المللی مورد احترام و اجرا قرار گرفته است (زمانی، ۱۳۹۵: ۵۹).

۲-۱- حق حیات

حق حیات بنیادی‌ترین حق انسانی است. دیگر حقوق پیش‌بینی شده در اسناد حقوق بشری متوقف بر حق حیات است. اهمیت این حق تا آنجا است که نمی‌توان حتی در شرایط اضطراری آن را نقص کرد. کشورها نمی‌توانند حتی در موارد اضطراری به بهانه اینکه حیات و بقا ملت در معرض تهدید است حق حیات افراد را نقص کند (ماده ۴ قانون میثاق حقوق مدنی و سیاسی). بنا به ماده دوم میثاق حقوق مدنی - سیاسی که دولت‌های عضو را متعهد کرده است که حقوق مندرج در این میثاق را محترم بشمارند و تضمین نمایند. در بند دوم این ماده دولت‌ها متعهد شده‌اند ضمن تدوین قانونگذاری به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در میثاق به عمل آورند (امیرارجمند، ۱۳۸۶: ۲۸).

حق حیات از حقوق ذاتی شخص انسان است و این حق باید توسط قانون حمایت شود و از طرفی سلب خودسرانه حیات افراد را ممنوع کرده است (ماده ۶ قانون میثاق حقوق مدنی و سیاسی). از مفاد این ماده و دیگر مواد می‌توان دریافت دولت‌ها به هیچ بهانه‌ای نمی‌توانند حق حیات را معلق کنند.

این اصل مهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد عنایت خاص بوده است. چنانکه در فصل سوم در باب حقوق ملت، اصل بیست و دوم، جان اشخاص را به جزء در مواردی که قانون معین می‌کند، مصون از تعرض می‌داند. این حق از چنان جایگاه والایی در میان دیگر حقوق بشری برخوردار است که حتی امکان تخطی از آن در شرایط وجود اوضاع و احوال اضطراری برای یک کشور نیز وجود ندارد. به عبارت دیگر در هیچ حالتی این حق اساسی تعطیل بردار نیست. از این رو در راستای تعهد کشورها به حفظ حیات افراد انسانی

و حداقل اتباع خود، ممنوعیت توسل به زور در روابط میان کشورها قابل توجیه است. این تعهد البته بر دولت‌های عضو منشور ملل متحد نیز بار می‌شود. منشور ملل متحد توسل و تهدید به کاربرد زور در روابط کشورها را بعنوان ابزار سیاست خارجی محکوم می‌نماید (قربان‌پور، ۱۳۸۷: ۲).

۲-۲- حق رسیدگی منصفانه

دادرسی عادلانه یا منصفانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی پیش‌بینی شده است. دولت‌ها به شیوه‌های مختلف از جمله قانونگذاری و پیش‌بینی مکانیزم اجرایی موثر، به تضمین حق دادرسی عادلانه برای افراد متعهد هستند. دادرسی عادلانه شامل مصادیق متعددی است که هر فردی در فرآیند دادرسی اعم از کیفری و مدنی از آن برخوردار است. برخی از مصادیق دادرسی عادلانه از جمله حق دادخواهی، دسترسی به دادگاه‌های بیطرف و مستقل و ... عمومیت دارند و در انواع دعاوی مدنی و کیفری قابل اعمال می‌باشند و برخی دیگر از جمله اصل براءت، تفهیم اتهام و ... ناظر بر دعاوی کیفری می‌باشند. اسناد جهانی و منطق‌های حقوق بشر نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی (ماده ۱۴) حق دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته‌اند و دولت‌ها را مکلف به اجراء و تضمین این حق برای تمام افراد نموده‌اند (امیدی و حسینی، ۱۳۹۵: ۲۵).

از جمله مهمترین این اسناد، می‌توان به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اشاره داشت. از منظر این اسناد باید گفت دادرسی عادلانه شامل مصادیق متعددی است که هر فردی در فرآیند دادرسی اعم از کیفری و مدنی از آن برخوردار است. برخی از مصادیق دادرسی عادلانه از جمله حق دادخواهی، دسترسی به دادگاه‌های بیطرف و مستقل و ... عمومیت دارند و در انواع دعاوی مدنی و کیفری قابل اعمال می‌باشند (همان، ۲۵).

۲-۳- حق برخورداری متهم از امکانات لازم برای دفاع

حق دفاع متهم عبارت است از مجموع تضمینات قانونی و قضایی است که در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی برای افرادی که در مضام ارتکاب بزه قرار می‌گیرند، در سراسر یک رسیدگی کیفری با هدف اتخاذ تصمیمات عادلانه به دور از اشتباهات قضایی، منظور گردیده است. حق دفاع این امکان را برای متهم فراهم می‌کند که بتواند پیش از محکوم شدن از خود دفاع کند. برای دفاع لازم است متهم از حق انتخاب وکیل برخوردار باشد. حق ارتباط و انتخاب وکیل شامل حق آگاهی متهم از وجود چنین حقی و برخورداری از مساعدت وکیل تسخیری و معاضدت قضایی رایگان می‌باشد (قسمت ب و د بند ۹ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی).

در ایران اصل ۳۵ قانون اساسی، مبین آن است که در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد و در سایر قوانین دادگاه‌های عمومی و انقلاب مکلفاند وکالت‌نامه تقدیمی وکالی رسمی دادگستری را از کلیه متهمین پرونده‌های کیفری صرف‌نظر از نوع اتهام و در هر مرحله از دادرسی که باشد بپذیرند و در صورتی که بین وکیل و موکل، وکالت‌نامه تنظیم نشده باشد، امکان مالقات وکیل و موکل را برای امضاء و تنظیم وکالت‌نامه فراهم آورند. زیرا که وظیفه قانونی یک وکیل دادگستری صرفاً حضور در مرحله تحقیق و یا دادرسی نمی‌باشد بلکه او در جهت حمایت از حقوق قانونی متهم وظایف مختلف و راهکارهای قانونی از قبیل حق اعتراض به قرارهای صادره و مانند آن را دارد و محروم کردن وکیل مدافع از آن حقوق النهایه منجر به تضییع حقوق متهم خواهد شد (جداری فروغی، ۱۳۸۰: ۳).

۲-۴- حق جبران خسارات برای عدم اجرای عدالت

به موجب بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در صورتی که محکومیت خود در نتیجه اشتباه قضایی باشد و فرد به خاطر اشتباه قضایی محکوم و متحمل مجازات شده باشد مستحق است که خسارت او طبق قانون جبران گردد، مگر اینکه ثابت شود که عدم اثناء به موقع حقیقت مکتوم کلاً یا جزاً منتسب به خود او بوده است. به موجب قاعده الضرر کسی نباید اعمال حق خود را وسیله اضرار به غیر قرار دهد در صورت ورود ضرر باید درصدد جبران آن برآید. ضرر به معنای از دست دادن چیزی است که انسان آن را دارا است اعم از اینکه مال، جوارح، عرض یا آبرو باشد. طبق اصل ۱۷۱ قانون اساسی هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد. در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و طبق ماده ۱۳: حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.

۱۱۸

۲-۵- حق برخورداری از حریم خصوصی

انسان‌ها بنابر فطرت خود، قلمروهایی را محدوده خصوصی خویش می‌دانند و در آن پناه می‌گیرند. در این پناهگاه امن خصوصی است که زندگی و حیات برای آنان میسر می‌شود و انسانیت معنا و مفهوم می‌یابد. توجه

به حریم خصوصی بعنوان یکی از اساسی‌ترین مصادیق حقوق بشر، از توجه به شأن و منزلت انسانی و ارزش‌های مبتنی بر انواع آزادی‌ها نشأت گرفته و امروزه به یکی از کانونی‌ترین مباحث در جامعه اطلاعاتی و یکی از مهمترین مسائل حقوق بشر در عصر جدید تبدیل شده است.

حق افراد در خصوصی ماندن حریم آنها و وظیفه صیانت از آن از سوی نهادهای حکومتی و صاحب قدرت امروزه در سطح جهانی از جمله حقوق بنیادین و اساسی بشر بر شمرده شده است که هم در قوانین داخلی کشورها و هم در اسناد بین‌المللی متعدد مورد تاکید و به رسمیت شناخته شده است (حسینی‌آزاد، ۱۳۹۲: ۴). حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند (انصاری، ۱۳۹۰: ۳۸). در نظام حقوقی ایران، حریم خصوصی به صورت مشخص حمایت نشده است. همانند موضع نظام حقوقی اسلام، موضع حقوق موضوعه ایران در مواجهه با حریم خصوصی تحول‌گرایانه است: حقوق و آزادی‌هایی که تحت عنوان حریم خصوصی حمایت می‌شوند بطور ضمنی و در بطن سایر قواعد حقوقی ایران هر چند بطور ناقص مورد حمایت قرار گرفته‌اند (رحمدل، ۱۳۹۷: ۸۴).

قانون اساسی ایران بطور مشخص برخلاف سایر کشورها بر حق حریم خصوصی اشاره‌ای نکرده است و تنها به برخی از مصادیق آن اشاره نموده است. در این خصوص می‌توان به اصول زیر اشاره کرد.

۱۱۹

اصل ۲۲: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل ۲۴: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند (قانون آئین دادرسی کیفری).

میثاق در ماده ۱۷ خود در زمینه حفظ حریم خصوصی اعلام می‌دارد:

هیچکس نباید در زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه و یا مکاتبات مورد دخالت خودسرانه (بدون مجوز قانونی) یا خلاف قانون قرار گیرد. همچنین نباید شرافت و حیثیت او مورد تعرض غیرقانونی واقع گردد. همچنین در بند دوم این ماده آمده است: هر کس حق دارد که در مقابل این تعرضات و دخالت‌ها از حمایت قانون برخوردار شود.

۲-۶- حق بر تعیین سرنوشت

حق تعیین سرنوشت از بنیادی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل شناخته شده است. این حقی از حقوق بشر است که همه اعضا یک ملت از آن برخوردارند. در بیان، اهمیت این حق برخی بر این نظرند تعیین سرنوشت حقی

است بنیادین که بدون آن، سایر حقوق نمی‌توانند بطور کامل محقق شوند. تعیین سرنوشت فقط یک اصل نیست بلکه مهمترین حق در میان، حقوق بشر است. به حق مزبور پس از تدوین میثاقین توجه شد و در بحبوحه نهضت استعمارزدایی کشورها فقیر که از سوی کشورهای پیشرفته تحت سلطه استعمارگران، قرار گرفته بودند نضج و نمو یافت و جرقه تفکر حق تعیین سرنوشت به منظور آزادی کشورها تحت سلطه ایجاد شد.

این حق با گذشت زمان، مفهوم گسترده‌تر یافت و حق انتخاب حکومت و مشارکت سیاسی افراد جامعه در عرصه حکومت را نیز شامل شد. همچنین در بازتاب اندیشه‌های جدید و دموکراسی ملت‌ها با تمدن، مشترک حق تشکیل دولت‌ها مستقل را دارند مضاف بر اینکه حکومت صرفاً یک قرارداد اجتماعی است که حاکمان، براساس آن، در مدتی محدود بر مردم حکومت می‌کنند (خلف رضایی، ۱۳۹۶: ۶۶۶).

بند اول ماده ۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی اعلام می‌دارد: همه ملت‌ها دارای حق تعیین سرنوشت هستند که به موجب آن می‌توانند آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین کنند و توسعه اقتصاد اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تعیین نمایند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به ماهیت اساسی و حیاتی این اصل عنایت داشته است. اصل سوم این تعهد را بر دولت بار می‌کند که برای رسیدن به اهداف موردنظر قانون اساسی، همه امکانات خود را برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش بکار برد. گویا این حقیقت بر تدوین کنندگان قانون اساسی روشن بوده است که لازمه حصول به اهداف موردنظر انقلاب، در تامین صلح، آسایش و ثبات در کشور است که با مشارکت آحاد ملت حاصل می‌شود.

۲-۷- منع شکنجه

شکنجه بعنوان یکی از جرائم مخالف با شأن و کرامت انسان، از جمله اموری است که از دیرباز اندیشه عدالت‌خواهان و مصلحان جهان را به خود مشغول نموده است. اگرچه اندیشه‌ها در مسیر تکامل خود به سوی برقراری یک روند فطرت‌مدار و عادلانه پیش رفته‌اند، با این حال لزوم توجه بیشتر به اقدامات فراگیر و نظام‌مند، در خصوص حمایت از نوع بشر، در مقابل تعدیات گوناگون از سوی صاحبان قدرت ضروری به نظر می‌رسد. اصل ۳۸ قانون اساسی مهمترین منبع نظام حقوقی ایران در زمینه منع شکنجه است. به موجب این اصل: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). در اینجا قانونگذار قلمرو منع شکنجه را توسعه داده است و با بیان هرگونه شکنجه علاوه بر شکنجه جسمی، شکنجه روانی را هم مدنظر قرار داده و اهداف شکنجه‌گر را

علاوه بر اقرار و کسب اطلاع به شهادت و سوگند نیز تسری داده است. طبق این اصل هرگونه شکنجه، اعم از جسمی و روانی با انگیزه کسب اطلاع یا گرفتن اقرار ممنوع است. اصل مزبور فرض شکنجه برای مقاصد دیگر را در نظر نگرفته است و بقیه موارد ظاهراً به دلیل اینکه جزء بدیهیات است نادیده گرفته شده است. طبق این اصل انگیزه‌ها یا اهداف شکنجه گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع است و در ادامه اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند را نیز مجاز نمی‌داند.

در اسناد حقوق بشری ماده ۷ قانون میثاق حقوق مدنی و سیاسی آورده است: هیچ‌کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا تزیلی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایش‌های پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است (خلف رضایی، پیشین: ۶۶۷).

۳- قانون حاکم بر مسئولیت شناختن دولت‌ها

بطور کلی تعهداتی که دولت‌ها در قبال حمایت از حق حیات دارند بیشتر مرتبط با وضعیت عضویت آنها نسبت به معاهداتی است که آن را به تصویب رسانده‌اند ولی عمده تعهدات در این زمینه برای تمامی دولت‌ها یکسان است. دولت‌ها در چارچوب حقوق بین‌الملل، تعهداتی را بر دولت‌های عضو بار می‌کند، انتظار می‌رود که اجرای حقوق مندرج در آن قبل از هر چیز موضوعی داخلی باشد.

۱۲۱

در واقع ماده ۲ میثاق که در بر دارنده تعهدات عمومی دولت‌ها است، دولت‌های عضو را به حمایت از حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی در سطح داخلی مکلف می‌نماید.

بنابراین دولت‌های عضو جهت جذب تصمیمات مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی در حقوق داخلی که برای افراد در نظر گرفته شده است، تعهد بین‌المللی دارند. حمایت واقعی مقرر در میثاق بر سیستم حقوقی و سیاسی دولت عضو ذیربط مبتنی می‌باشد.

بند دوم ماده ۲ میثاق، دولت‌های عضو را به اتخاذ اقدامات لازم جهت عملی نمودن حقوق مندرج در میثاق در سطح داخلی مکلف می‌نماید، مگر آنکه حقوق مندرج در میثاق پیش از این در حقوق یا رویه‌های داخلی مورد حمایت قرار گرفته باشد (میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶).

۴- تضمینات حاکم بر بار مسئولیت دولت‌ها

در زمینه اجرای حقوق مدنی و سیاسی افراد انسانی موادی از آن در صورت نقص ضمانت اجرایی به بار می‌آورد. بخش دوم میثاق حقوق مدنی و سیاسی یعنی مواد دوم الی پنجم دربردارنده تضمینات حمایتی

الزام‌آور برای اتباع است. برای مثال بند اول ماده دوم میثاق: دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیت‌شان بدون هیچگونه تمایزی از قبیل رنگ، نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشا ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین بکنند. این بند از حقوق بنیادین بوده و مقرره‌ای الزام‌آور است که دولت‌ها را به اجرای فوری تضمینات ماهوی مندرج در میثاق در سطح داخلی ملزم می‌نماید. بطور خاص بند اول ماده دوم دولت‌ها را به رعایت و تضمین برخورداری تمامی اشخاص مقیم در قلمرو و تابع صلاحیت‌شان از حقوق ماهوی مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بدون هرگونه تبعیض ملزم می‌نماید. فوریت این تعهد تسهیل‌کننده قابلیت نظارت قضایی و تعیین تکلیف دولت‌ها است. بند دوم ماده دوم میثاق با مقرر نمودن تدابیر خاص حمایت ملی از حقوق مندرج در میثاق، دولت را مکلف به قانونگذاری با اتخاذ تدابیری می‌نماید که ممکن است برای تنفیذ حقوق مندرج در این میثاق ضروری باشند. بنابراین دولت‌ها باید قوانین خود را جهت تطبیق با تعهدات خود به موجب میثاق تغییر دهند. بند الف از بند سوم ماده دوم دولت‌های عضو را در سطح داخلی مکلف به تامین جبران خسارت‌های موثر شخصی که حقوق وی به موجب میثاق نقض گردیده است می‌نماید (تعیین حق به دریافت غرامت را توسط محکمه‌ای صالح یا مقامات اجرایی یا قانونگذاری تضمین کنند).

۱۲۲

بند ب از بند سوم ماده دوم مشخص می‌نماید که این جبران خسارت‌ها توسط ارکان صلاحیت‌دار دولت و بطور مطلوب رکن قضایی تعیین شود و بند ج از بند سوم ماده دوم به اجرای چنین جبران‌هایی اختصاص دارد (مسئولیت دولت در پرداخت جبران خسارت وارده به اتباع).

پیش‌نویس تفسیر عام شماره ۳۱ کمیته حقوق مدنی و سیاسی: به رسمیت شناختن حق دسترسی مستقیم به دادگاه در مواردی که قانون داخلی به اشخاص امکان استناد به مقررات خود اجرای حقوق بین‌الملل را می‌دهد. سازوکار اداری مشخصا ملزم به ایفای تعهد عمومی از طریق ارگان‌های مستقل و بیطرف می‌باشند. قصور دولت عضو از تحقیق در مورد شکایت نقص مستقلا و به تنهایی می‌تواند نقص میثاق تلقی گردد (میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶).

نتیجه‌گیری

قواعد حقوق بشری هر آنچه که مربوط به حقوق انسانی گردد باید محترم شمرده شود و دولت‌ها برای آنکه بتوانند نظم و قواعد خود را حاکم نمایند بطور خاص حقوق انسانی را خدشه‌دار می‌کنند و اگر قواعد حقوق بشری در کشورها حاکم نباشد دیگر رنگ و بویی از حقوق انسانی لمس نخواهیم نمود. قوانین حقوق بشری در زمینه حقوق مدنی و سیاسی باید بر روند قوانین داخلی حاکم‌تر باشند مگر در صورتی که با شرع حاکم در

تعارض باشند. دولت‌ها باید قوانین حقوق بشری را بالاتر از قوانین عادی و در لوای قانون اساسی مورد تاکید قرار دهند تا حقوق مدنی و سیاسی اشخاص و اتباع خود را محترم‌تر شمارند. دولت نمی‌تواند برای تخفیف (کاهش) آثار ناشی از مسئولیت در قبال میثاق مدعی شود که قوانین داخلی‌اش مانع از ایفای تعهداتش به موجب میثاق هستند. همچنین تعهد دولت‌ها نسبت به اتباع خود نسبت به حفظ حقوق مدنی و سیاسی اتباع خود با نگاه به تعهد منفی به صورت عدم تجاوز به حریم خصوصی افراد و هم با تلاش برای حفظ اتباع خود از تعرضات دیگر اشخاص می‌باشد.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- اسحاق دانش، محمد (۱۳۹۵)، «تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق بشر»، پژوهشنامه گوهرشاد، ش ۲.
- ۲- امیدی، طاهره و حسینی، مریم (۱۳۹۵)، «تحلیل حق دادرسی عادلانه در پرتو اسناد حقوق بشری با نگاهی به قوانین ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق، ش ۵.
- ۳- امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۸۶)، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ج ۲، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴- انصاری، باقر (۱۳۹۰)، حریم خصوصی، ج ۱، تهران: انتشارات سمت.
- ۵- بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۷)، حقوق بین‌الملل عمومی، ج ۱، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۶- جداری فروغی، محمدعلی (۱۳۸۰)، «متهم و حق داشتن وکیل»، نشریه صدای عدالت، ش ۴.
- ۷- حسینی آزاد، سیدعلی (۱۳۹۲)، «تعهد دولت‌ها در حفظ حریم خصوصی افراد از منظر حقوق بین‌الملل بشر»، فصلنامه کمیسیون حقوق بشر، ش ۱.
- ۸- خلف رضایی، حسین و دیگران (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی حق تعیین سرنوشت و حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل و نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ش ۴۷.
- ۹- رحمدل، منصور (۱۳۹۷)، «جبران خسارت متهم توسط دولت در فرایند عدالت کیفری ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۸۲.
- ۱۰- رهامی، روح‌اله (۱۳۹۳)، «بررسی وظیفه دولت‌ها در حفظ امنیت فردی انسان‌ها»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ش ۴۲.
- ۱۱- زمانی، سید قاسم (۱۳۹۵)، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ج ۱، تهران: انتشارات شهر دانش.
- ۱۲- قربان‌پور، محمد (۱۳۸۷)، «حق حیات در اسناد حقوق بشر و قانون اساسی»، پایگاه بصیرت.

قوانین:

۱۳- میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶.

۱۴- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۱۵- قانون آئین دادرسی کیفری.